

حدود آزادی فعالیت زن از دیدگاه وهابیت

محمدعلی میرعلی * اعظم رضائی **

چکیده

در نظام حقوقی اسلام زن و مرد از آن جهت که هر دو انسان‌اند حقوق و تکالیف برابر دارند، اما در برخی موارد به دلایل خاصی از جمله ویژگی‌های فیزیکی، اخلاقی و رفتاری متفاوت که خداوند در وجود زن به ودیعت نهاده، حقوق و تکالیف متمایزی برای وی تعریف شده است. تفاوت‌های موجود سبب شده تا برخی از گروه‌های افراطی بر اساس مبانی فکری و روش‌شناسی خاص خود از جمله تقدیم نقل بر عقل، حجیت قول صحابه و... ماهیت زن را در حد یک شیء واره تنزل داده و نگرش‌های حداقلی همراه با افراط و تفریط را فراتر از چارچوب شرع نسبت به حقوق و آزادی‌های وی اعمال کنند. وهابیت یکی از فرقه‌های ساختگی در تاریخ معاصر جهان اسلام است که حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی زن در چارچوب وحی را در موارد بسیاری نادیده انگاشته و او را از حقوق طبیعی و الهی خود محروم و آزادی فعالیت را از وی در عرصه‌های گوناگون سلب کرده است. نوشتار حاضر با روش اسنادی و تحلیلی قلمرو آزادی فعالیت سیاسی اجتماعی زن از دیدگاه وهابیت را واکاوی کرده است.

واژگان کلیدی

زن، ماهیت زن، آزادی زن، وهابیت، انتخابات، مشارکت سیاسی.

*- دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه جامعه المصطفی (alimir124@gmail.com).

** - دانشجو دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه جامعه المصطفی (azamrezaei110@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۷

مقدمه و بیان مسئله

زن در طول تاریخ سرگذشتی رقت‌بار داشته و شخصیت و کرامت انسانی‌اش به دلایلی لگدمال شده است. اعراب زمان جاهلیت زن را همتای مرد نمی‌دانستند، تولد دختران را ننگ دانسته و آنها را زنده به گور می‌کردند. خداوند متعال در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «آن‌گاه که خبر تولد دختر به آنها داده می‌شد، از شدت خشم، رنگ صورتشان سیاه می‌گشت» (نحل: ۵۸).^۱ البته این نگاه منفی به زن مسئله‌ی جدیدی نبود؛ چرا که مکاتب قبل از اسلام نیز چنین دیدگاهی به زن داشتند، برخی از قدیسان حوا را عامل گناه اولیه‌ی آدم و مسئول خروج وی از بهشت می‌دانستند (دوبووار، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۵۹) برخی دیگر همچون ژان کریسوستوم قدیس افراط کرده و زن را زیان‌بارترین جانور وحشی معرفی می‌کردند (همان). چه بسا سبب مذموم بودن ازدواج میان مسیحیان و میل به تجرد نیز از پلید بودن ارتباط با زنان ناشی می‌شود.

اسلام بر تمامی تفکرات خرافه‌آمیز گذشته خط بطلان کشید و با چنین تفکرات جاهلی به مبارزه برخاست و برای احیاء شخصیت از دست رفته‌ی زن فرهنگ‌سازی و برای اصلاح جایگاه وی احکام فراوانی تشریح کرد. با این حال در جهان اسلام گروه‌هایی تشکیل شدند که نگاهی تحقیرآمیز به زن داشتند. یکی از گروه‌هایی که در دوره‌ی معاصر دیدگاه‌های افراطی نسبت به زن دارد، فرقه‌ی وهابیت است. مؤسس مسلک وهابیت شخصی به نام محمدبن عبدالوهاب است که در شهر «عیینه» از بلاد «نجد» متولد شد و از همان آغاز جوانی بسیاری از اعمال مردم نجد را زشت می‌شمرد و به استهزاء می‌گرفت و آنها را جاهل و مشرک می‌خواند (فقیهی، ۱۳۷۷: ۷۵). وی پس از مرگ پدرش که مخالف عقاید او بود، آشکارا عقاید خود را تبلیغ کرد و به دلیل تبلیغ موضوعاتی چون مبارزه با بدعت و خرافات در اسلام و بازگشت به آنچه او سنت‌های حقیقی و واقعی می‌شمرد (فقیهی، همان: ۴۲۳) از طرف جامعه طرد و به «درعیه» رانده شد. در آن زمان امیر درعیه «محمدبن سعود» (جد آل سعود) بود، وی به دیدن شیخ رفت و عزت و نیکی را به او مژده داد، شیخ نیز قدرت و غلبه بر همه‌ی بلاد نجد را به وی بشارت داد و بدین ترتیب ارتباط شیخ محمد و آل سعود آغاز شد. ابن سعود با ایجاد ارتباط حسنه با انگلیسی‌ها و گرفتن کمک از آنها توانست با حمله به حجاز و طائف و مدینه و مکه، این سرزمین‌ها را به تصرف خود درآورد. به این ترتیب دولت انگلیس -کارگردان اصلی صحنه- طی پیمانی سلطنت سعودی‌ها را بر نجد و حجاز به رسمیت شناخت (همان: ۲۱۰). برخی نیز یهودی‌ها را عامل موفقیت وی در دست‌یابی به قدرت دانسته‌اند (حایری: ۴۲۶). بنابراین باید رمز موفقیت وهابیت در منطقه را همکاری یهودی‌ها و انگلیسی‌ها با آنها دانست و این سلطه هیچ ارتباطی با اسلامی بودن افکار آنها ندارد.

۱- «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ».

پیشوایان این فرقه با جعل حدیث و یا برداشت‌های انحرافی از احادیث پیامبر (ﷺ) احکامی را استنباط و به جامعه‌ی اسلامی القاء کرده‌اند که با احکام واقعی اسلام فاصله دارد. آنها با تفسیرهای نادرست، آگاهانه و یا ناخودآگاه ابزار جنگ نرم دشمن استعماری غرب قرار گرفته و چهره‌ی اسلام را زشت و خشن نشان دادند و از این طریق زمینه را برای اسلام‌هراسی فراهم کردند. نگاه حقارت‌آمیز وهابیت به زن را می‌توان یکی از نمونه‌های بارز چنین برداشت‌های ناروا از اسلام برشمرد. دیدگاه وهابیت نسبت به ماهیت و آزادی زن با اسلام واقعی تعارض آشکاری دارد. این نوشتار با روش اسنادی به دنبال واکاوی و نقد دیدگاه وهابیت از منظر اسلام است.

۱. ماهیت زن در متون روایی و فقهی وهابیت

زن در منابع و متون روایی اسلام کرامت طبیعی و خدادادی داشته و جایگاه و شخصیت رفیعی دارد، اما متأسفانه وهابیت نگاه خاصی به زن داشته و اساساً در منابع آنها زن به عنوان موجودی شر، جهنمی و شیطانی معرفی و کرامت انسانی وی به نوعی انکار شده است. بر این اساس، پیروان این فرقه نگاه حدافلی به حقوق و آزادی‌های زن دارند. به منظور تبیین دیدگاه این فرقه درباره‌ی آزادی فعالیت زن لازم است ابتدا ماهیت زن در منابع آنها تبیین شود.

۱-۱. شر بودن زن

در منابع و متون روایی وهابیت، زن موجودی شر معرفی شده است (المبارکفوری: ج ۸، ص ۵۳)^۱. آنها در این باره دسته‌ای از روایات را به پیامبر اکرم (ﷺ) نسبت می‌دهند که مضمون آنها حاکی است که زن عنصری شرور و پلید است که از وجود او جز شر و وسوسه چیزی بر نمی‌خیزد و این زن است که مرد را به گناه آلوده می‌کند. در این روایات پرهیز از زنان سفارش شده است زیرا از آنها چیزی جز فتنه و شر صادر نمی‌شود. آنها گناهان مردان را فراهم کرده و سبب غفلت از آخرت و روی آوردن به دنیا می‌شوند و زمینه‌ی هلاکت مردان را فراهم می‌کنند. بر اساس این روایات، اولین فتنه را در بنی‌اسرائیل زنان به وجود آوردند^۲ (العسقلانی الشافعی، ۱۳۷۹: ج ۹، ص ۱۳۸). بر اساس این دسته از روایات - که تعداد آنها نیز کم نیست - ماهیت زن با شرارت عجین است. این ادعای وهابیون نه تنها با آیات قرآن هماهنگی و مسانخت ندارد، بلکه با آن در تعارض است. قرآن نه تنها سخنی از شر بودن زن به میان نیاورده، بلکه بر عکس زن را مایه‌ی خیر و برکت و تسکین و آرامش مرد می‌داند و می‌فرماید: «و من آیاته أن خلق لکم ازواجا لتسکنوا إليها»

۱- «النِّسَاءُ شَرُّ كَلْبَيْنِ وَ اَشْرُّ مَا فِيهِنَّ عَدَمُ الاستِغْنَاءِ عَنْهُنَّ وَ مَعَ اَنْهَا نَاقِصَةُ الْعَقْلِ وَ الدِّينِ ...».

۲- وَ قَدْ اَخْرَجَ مُسْلِمٌ مِنْ حَدِيثِ اَبِي سَعِيدٍ فِي اَتْنَاءِ حَدِيثِهِ: «وَ اتَّقُوا النِّسَاءَ فَاِنَّ اَوَّلَ فِتْنَةٍ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ فِي النِّسَاءِ وَ اَنْهَا نَاقِصَةُ الْعَقْلِ وَ الدِّينِ تَحْمِلُ الرَّجُلَ عَلٰى تَعَاظِي مَا فِيهِ نَقْصُ الْعَقْلِ وَ الدِّينِ كَسَفَلِهِ عَنِ طَلْبِ اُمُورِ الدِّينِ وَ حَمَلَهُ عَلٰى التَّهَالُكِ عَلٰى طَلْبِ الدُّنْيَا وَ ذَلِكِ اَشَدُّ اَلْفَسَادِ».

روم: ۲۱). حتی در مواردی که تفکر رایج علیه زن بوده است، آن تفکر اشتباه را تصحیح و زنان را از این تهمت‌ها مبرا کرده و از او دفاع می‌کند؛ برای مثال در داستان آدم و حوا بر خلاف تفکر رایج آن زمان که مسئول اصلی فریب آدم را حوا می‌دانستند، قرآن در این داستان نه حوا را به عنوان مسئول اصلی معرفی می‌کند و نه او را خارج از ماجرا می‌داند، بلکه در همه جا از ابتدا تا انتهای داستان «خطا» را به تساوی بین آنها تقسیم می‌کند: «فقلنا یا آدم این هذا عدو لک و لزوجک» (طه: ۱۱۷)؛ «پس گفتیم ای آدم این شیطان در حقیقت دشمن تو و همسرت است» و آنجا که پای و سوسه‌های شیطانی در میان است ضمائر را به صورت مثنی به کار می‌برد تا زنان را از اتهامات وارده بر آنها تبرئه کند (الرازی، ۱۴۲۰: ج ۳، ص ۴۶۰) و می‌گوید: «فوسوس لهما الشیطان فدلها ما بغرور» (اعراف: ۲۲)؛ «پس شیطان آن دو را وسوسه کرد و فریب داد» و یا «و قاسمهما إنی لکما لمن الناصحین» (اعراف: ۲۱)؛ «شیطان برای آن دو قسم یاد کرد که برای هر دوی شما از خیر خواهان هستم». هر چند قرآن تا این اندازه با این نگرش مذموم به مبارزه برخاسته، اما به عنوان دستاویزی برای وهابیون برای نیل به اهداف پلیدشان تبدیل شده است. به هر ترتیب بر اساس منطق وحی این توانایی در زن وجود دارد که به بالاترین درجات و مقامات معنوی رسیده و مریم‌گونه شود و یا با بی‌توجهی به آیین حق و شخصیت انسانی خود از حیوانات نیز پست‌تر شود. این دو مقام برای تمام مردان نیز مقرر شده است؛ به این معنا که انسان‌ها چه مرد و چه زن هویتی همسان دارند و در پیمودن راه کمال و ظهور آثار انسانی و رسیدن به مقامات معنوی هیچ فرقی با هم ندارند و مرد و زن در خلقت ظاهری و باطنی خود تجلی لطف و ربوبیت خداوندند. این واقعیتی است که از صریح آیات قرآن استفاده می‌شود و جای انکار یا تردیدی باقی نمی‌گذارد، پس دلیلی ندارد که تمام زنان به شر بودن متهم شوند. به عبارت دیگر زنان با ایمان نیز می‌توانند به مراتب والای انسانی دست یابند؛ چرا که در اسلام ارزش‌هایی مانند ایمان، علم، عزت، سعادت، فضیلت و ... نیز مقابلات اینها نه اختصاص به جنس مذکر دارند و نه اختصاص به جنس مؤنث دارند و در خطابات الهی و دعوت پیامبران (ﷺ) نه دعوتنامه‌ی خصوصی برای مردها فرستاده شده و نه زن‌ها از شرکت در این خطابات و دعوت‌ها منع شده‌اند.

در تفسیر گرانقدر مجمع‌البیان آمده است: «زمانی که اسماء بنت عمیس همراه شوهر بزرگوارش جعفر بن ابی‌طالب از حبشه - که هجرتی الهی و به منظور حفظ دین بود - بازگشت، به دیدار زنان پیامبر (ﷺ) آمد و به ایشان گفت: آیا در قرآن درباره‌ی ما زنان چیزی آمده است؟ گفتند: نه! به محضر رسول خدا (ﷺ) شتافت و عرض کرد: یا رسول‌الله (ﷺ) زنان در ناامیدی و خسران‌اند، پیامبر (ﷺ) فرمود: چرا؟ عرض کرد: چنان‌که از مردان به نیکی ذکر شده از زنان نشده او شاید حق داشت این سخن را بگوید چون سال‌ها از مبدأ وحی دور مانده بود و گمان می‌کرد اصولی

که بر جامعه‌ی جاهلیت حاکم بود بقایایش هنوز باقی مانده است» (مکارم شیرازی: ۶). با اینکه در مورد شخصیت زن در آیات و احادیث مطالب فراوانی وارد شده بود، اما بعد از این ماجرا آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی احزاب نازل شد که بیانگر همه‌ی ارزش‌هایی بود که زنان و مردان در آن مشترک‌اند. به این ترتیب، اسلام نشان داد که زنان و مردان منزلت و هویتی واحدی داشته و در رسیدن به معنویات و درجات عالی با یکدیگر تفاوتی ندارند.

۲-۱. جهنمی بودن زن

نگاه خاص وهابیت نسبت به ماهیت زن موجب شده تا بیشتر زنان را جهنمی بدانند. آنها در این‌باره به برخی از روایات استناد کرده‌اند. دسته‌ای از روایات راز اهل آتش بودن زنان را در ترک واجبات و انجام دادن محرمات دانسته‌اند^۱ (العثمین، ۱۴۲۸، ج ۲: ص ۲۴۵). گروهی دیگر از روایات بیشترین اهل آتش جهنم را در میان زنان معرفی کرده است و از این‌رو برای دفع این عذاب از آنها خواسته تا صدقه بدهند^۲ (الحمد: ج ۲، ص ۲۱۶). شبیه این مضمون، برخی روایات زنان را به عنوان آتشگیره‌ی جهنم معرفی کرده است^۳ (القسطانی القتیبی المصری، ۱۳۲۳: ج ۲، ص ۲۲۲).

مضمون این دسته از روایات که برخلاف نص بسیاری از آیات قرآن کریم است، اعتبار ندارد. خداوند متعال در آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی حدید درباره‌ی اهل بهشت می‌فرماید: «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرٰكُمُ الْيَوْمَ جَنٰتٌ تَجْرٰی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»؛ «روزی که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیش آنها و به جانب راستشان شتابان می‌رود، [به آنها گفته می‌شود]: مزه‌دهی شما امروز باغ‌هایی است که از پای درختانش نهرها جاری است، [و] در آنها جاویدانید این همان کامیابی بزرگ است». در این آیه بهشت به زنان و مردان مؤمن بشارت داده می‌شود و هر کسی که ایمان نداشته باشد، شامل این آیه نشده و در دوزخ جای دارد؛ چه زن باشد یا مرد. همچنین قرآن درباره‌ی کیفی اعمال سه بیان دارد: «کل نفس بما کسبت رهینه» (مدثر: ۳۸)، «لیس للانسان الا ما سعی» (نجم: ۳۹) و «کل امرء بما کسب رهین» (طور: ۲۱). از این آیات می‌توان نتیجه گرفت که بهشت یا جهنم پاداش اعمال انسان‌هاست و مرد یا زن بودن در آن دخالتی ندارد، البته گاهی به انثی تصریح شده مانند «انی لا اضعی عمل عامل منکم من ذکر او انثی» (آل عمران: ۱۹۵) یا «من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحییبه حیاه طیبه» (نحل: ۹۷). دسته‌ی دوم آیات به تفاوت نداشتن زن و مرد تصریح کرده‌اند؛ گویا تصریح این دسته از آیات به باور خاصی اشاره دارد که در میان مردم جاهلی آن زمان رایج بوده است.

۱- «أن النساء غالبا یرتکن النهی عما أمرن به، و لذا کن أكثر أهل النار» (<http://www.raqamiya.org>).

۲- عن أبي سعید الخدری قال: خرج رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فی أضحی، أو فطر إلى المصلی، فمر علی النساء، فقال: «یا معشر النساء تصدقن، فانی رأیتکن أكثر أهل النار».

۳- لروایة البیهقی: أنها خرجت مع النساء، و أنه - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ - قال: «یا معشر النساء إنکن أكثر حطب جهنم».

۳-۱. شیطانی بودن زن

یکی دیگر از مواردی که به وفور در منابع فرقه‌ی انحرافی وهابیت به چشم می‌خورد، نسبت دادن زنان به شیطان و همنشینی این دو واژه با یکدیگر است. زن در منابع و متون روایی وهابیت این گونه معرفی شده است: «زن دام شیطان است»^۱ (المناولی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۱۵۸؛ ابن قیم الجوزیه، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۹۲). «وقتی زن خلق شد، شیطان خوشحالی کرد»^۲ (القرطبی، ۱۴۲۳: ج ۷، ص ۱۸۹). «شراب مادر همه‌ی بدی‌ها و زنان دام‌های شیطان‌اند»^۳ (ابن حسین: ج ۱، ص ۱۶۶؛ الزراعی: ج ۱، ص ۱۸۵). البته برای تبیین بیشتر دیدگاه‌هایشان از داستان‌هایی همچون داستان هاروت و ماروت نیز کمک می‌گیرند، دست به تفسیر به رأی زده، اهداف داستان‌ها را منحرف کرده و به این ترتیب نظرات خود را قوت می‌بخشند^۴ (سیوطی: ج ۱، ص ۴۶).

در قرآن کریم خداوند به جای اینکه زن را به دلیل ویژگی جنسی و ماهوی‌اش تحقیر و سرزنش کند و رفتار و اعمالش را به شیطان گره زند، راه کارهایی را پی‌ریزی می‌کند تا هر انسان آزاداندیشی بتواند سره را از ناسره و شیطان را از رحمان باز شناسد، در قرآن گروهی همنشینان^۵، برادران^۶، احزاب^۷، پیروان شیطان^۸ و... معرفی شده‌اند. وجه اشتراک این افراد نافرمانی از اوامر الهی است. در هیچ یک از آیات قرآن نامی از زنان و یا نسبت آنها با شیطان به تنهایی به میان نیامده است، زیرا خداوند نمی‌خواهد چهره‌ی کرامت انسانی زن به خاطر جنبه‌های جسمانی وی مخدوش شود. در قرآن از شیاطین انسانی و جنی صحبت شده، اما اختصاص به جنس خاصی ندارد. علاوه بر آنکه برخی از این روایات چه بسا هشدار به مردان باشد که به خاطر جاذبه‌های ظاهری نباید اسیر شهوات نفسانی شوند. آنچه درباره‌ی مبانی فکری وهابیت نسبت به منزلت و ماهیت زن بیان شد، پایه‌ی اصلی تعیین کننده‌ی گستره‌ی آزادی فعالیت سیاسی - اجتماعی زن از دیدگاه این فرقه را تشکیل می‌دهد که در اینجا برخی از مصادیق آن بررسی می‌شود.

۱- «النساء حباله الشیطان».

۲- و قد روی فی الحدیث أنه لما خلق الله المرأة فرح الشیطان فرحاً عظیماً، و قال: هذه حبالی الی لا یکاد یخطنی من نصبتها له.

۳- «الخرم جماع الآثام و النساء حباله الشیطان».

۴- خلاصه‌ی این باور انحرافی چنین است که فرشتگان به سبب فسادگری آدمیان بر خداوند خرده گرفتند که چرا چنین موجود فسادگری را آفرید. آنها از خداوند خواستند تا عذابی نازل کند و همگان را نابود کند خداوند برای اثبات نادرستی پندار ایشان، از آنها خواست تا دو فرشته را به نمایندگی برگزینند، آنان هاروت و ماروت را برگزیدند و این دو فرشته به دستور خداوند به زمین فرستاده شده و صفات انسانی به آنها داده شد. آن دو در زمین با زنی زیباروی روبه‌رو شدند و دل باختند و پذیرفتند برای ازدواج با او مشرک شوند و شراب بنوشند و قتل نفس کنند و در پایان نیز به آن زن دست نیافتند. خداوند به آنها ندا داد که شما در یک نیم‌روز به واسطه‌ی یک زن ۴ گناه کبیره انجام دادید: بت پرستی، شرب خمر، قتل و اهتمام به زنا؛ پس چگونه بر آدمیان خرده می‌گیرید و خود را پاک می‌دانید. از سوی دیگر خداوند آن زن را به صورت ستاره‌ی زهره مسخ کرد و آن دو فرشته را مخیر ساخت تا با به عذاب دنیوی گرفتار شوند یا به عذاب اخروی، آن دو عذاب دنیا را برگزیدند و از این رو در چاه بابل همواره معذب‌اند.

۵- نساء: ۳۸؛ زخرف: ۳۶.

۶- اسراء: ۲۷

۷- مجادله: ۱۹

۸- انعام: ۱۴۲؛ بقره: ۲۰۸.

۲. فعالیت اجتماعی زن

در جامعه‌ی اسلامی، فعالیت اجتماعی زنان آزاد است. این فعالیت شامل برخی از فعالیت‌های عبادی - اجتماعی نیز می‌شود، اما همان‌گونه که گفته شد، با توجه به تلقی طرفداران فرقه‌ی انحرافی وهابیت از زن و شیطان‌ی انگاشتن ماهیت او گستره‌ی فعالیت‌های وی بیش از حد محدود شمرده شده است. در ادامه به برخی از نمونه‌های آن اشاره خواهد شد.

۲-۱. زیارت اهل قبور

وهابیون زیارت اهل قبور را برای زنان حرام شمرده‌اند، اما برای مردان در صورتی که بدون «شدن رحال» (قصد سفر) برای زیارت باشد جایز می‌دانند. آنها می‌گویند: «زیارت قبور تنها برای مردان مشروع است نه بر زنان، آن هم در صورتی که در شهر خودش باشد؛ یعنی بدون بار سفر بستن و برای عبرت گرفتن»^۱ (ابن باز، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۱۰۴؛ الرزاق: ج ۱، ص ۲۸۸). مفتیان وهابی با استناد به روایتی از پیامبر (ﷺ) زیارت قبور را بر زنان حرام شمرده‌اند^۲ (ابن تیمیة الحرانی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۵۰). ابوهریره از پیامبر (ﷺ) نقل کرده که خداوند زائران زن را لعن کرده است (الموصلی التیمی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، ص ۳۱۴).

این روایت بر تابلوی بزرگی در قبرستان بقیع نصب شده است.

شیخ بن باز، مفتی وهابیون در این باره می‌نویسد: «برای زنان زیارت قبور جایز نیست، زیرا پیامبر (ﷺ) زنانی که به زیارت قبور می‌روند را لعنت کرده است و دیگر اینکه زنان فتنه هستند و صبرشان کم است و لذا از رحمت خدا و احسان او این است که برای آنها زیارت قبور را حرام کرده است تا اینکه نه فتنه‌گری کنند و نه دیگران را به فتنه بکشانند»^۳ (بن باز و عثیمین، ۱۴۱۳: ۷۲). بن باز می‌گوید، این لعن نه تنها بر حرمت بلکه بر کبیره بودن گناه نیز دلالت دارد.

با تأمل در روایات می‌توان دریافت که استحباب زیارت قبور شامل مردها و زنها می‌شود و اختصاص به مردها ندارد. پیامبر اکرم (ﷺ) در این باره فرمودند: «من در گذشته شما را از زیارت قبور نهی می‌کردم، اکنون آنها را زیارت کنید، زیرا قلب را رقت می‌بخشد؛ چشم، اشک می‌ریزد و تذکر

۱- و سئل فضيلته عن حكم السفر لزيارة قبر النبي صلى الله عليه و سلم فأجاب بقوله شد الرجال إلى زيارة القبور أيا كانت هذه القبور لا يجوز لأن النبي صلى الله عليه و سلم يقول لا تشد الرجال إلا إلى ثلاثة مساجد المسجد الحرام ومسجدى هذا و المسجد الأقصى و المقصود بهذه أنه لا تشد الرجال إلى أى مكان فى الأرض لقصد العبادة بهذا الشد لأن الأمكنة التى تخصص بشد الرجال هى المساجد الثلاثة فقط و ما عداها من الأمكنة لا تشد إليها الرجال فقبر النبي صلى الله عليه و سلم لا تشد الرجال إليه و إنما تشد الرجال إلى مسجده فإذا وصل المسجد فإن الرجال يسن لهم زيارة قبر النبي صلى الله عليه و سلم و أما النساء فلا يسن لهن زيارة قبر النبي صلى الله عليه و سلم.

۲- «لعن الله زوارات القبور».

۳- زیارت القبور خاصة للرجال لا للنساء أما النساء فلا يشرع لهن زيارة القبور بل يجب نهيهن عن ذلك لأنه قد ثبت عن رسول الله صلى الله عليه و سلم لعن زائرات القبور من النساء و لأن زائراتهن للقبور قد يحصل بها فتنة لهن أو بهن مع قلة الصبر و كثرة الجرع الذى يغلب عليهن و هكذا لا يشرع لهن اتباع الجنائز إلى المقبرة.

دهنده و یاد آورنده‌ی آخرت می‌باشد، ولی هنگام زیارت قبرها سخن بیهوده نگویند»^۱ (الحاکم، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۵۳۲). روایت دیگری از رسول خدا (ﷺ) نقل شده که فرمودند: «پس زیارت کنید قبور را، زیرا که زیارت قبور موجب زهد در دنیا و یادآوری آخرت می‌شود»^۲ (الشاشی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۳۹۵). هر چند خطابات موجود در احادیث به صورت جمع مذکر و متوجه مردان است ولی همه‌ی آنها زنان را نیز شامل می‌شود، مگر اینکه دلیلی بر نبود اشتراک باشد؛ لذا آیاتی که مردم را به نماز یا پرداخت زکات امر می‌کند و به ظاهر همگی خطاب به مردان است، زنان را نیز شامل می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۷: ۱۱۱) مانند: «أقیموا الصلاه و آتوا الزکاه...» (بقره: ۱۱۰)؛ خطاب این آیه از نظر قواعد ادبی عرب متوجه مردان است، ولی نتیجه‌ی حکم آن شامل هر دو گروه مردان و زنان می‌شود. پس خطاب «زوروا» در احادیث ذکر شده هر چند متوجه مردان است ولی نتیجه‌ی آن همگانی است.

همچنین سیره‌ی پیامبر (ﷺ) و صحابه‌ی ایشان خلاف این روایات را اثبات می‌کند؛ روایت شده که روزی رسول خدا (ﷺ) از کنار زنی که کنار قبری نشسته بود و می‌گریست، عبور کردند و به وی فرمودند: «تقوا پیشه کن و صبر نما»^۳ (القسطلانی القتیبی، ۱۳۲۳: ج ۳، ص ۴۰۰). اگر بنا بر حرمت بود، چرا پیامبر (ﷺ) آن زن را امر به خارج شدن از قبرستان نکردند؟ به همین دلیل و طبق این حدیث استدلال بر جواز زیارت قبور شده است؛ خواه زائر مرد یا زن باشد و خواه زیارت شونده مسلمان باشد یا کافر، چون حدیث به طور مطلق حکم را بیان کرده است. همچنین در مورد حضرت فاطمه (علیها السلام) و دیگر زنان مدینه وارد است که مرتب به زیارت قبر حضرت حمزه و دیگر شهدای احد می‌رفتند و برای آنها طلب مغفرت می‌کردند،^۴ (البیهقی، ۱۴۲۴: ج ۴، ص ۱۳۱) بدون اینکه از جانب پیامبر اکرم (ﷺ) یا حضرت علی (علیه السلام) نهی شوند.

۲-۲. مسافرت زن بدون محرم

وهابیت به ایفای نقش اجتماعی زنان باور ندارند. آنها هرگونه فعالیت اجتماعی که به اختلاط زن و مرد منجر شود را حرام اعلام کرده‌اند و در این مسئله تا بدانجا افراط کرده و اعتقاد دارند که زن نباید بدون محرم مسافرت کند و در این باره به روایاتی تمسک کرده‌اند. به اعتقاد آنها مسافرت زن با محرم به اندازه‌ای اهمیت دارد که پیامبر (ﷺ) به مردی که سؤال کرد من می‌خواهم به جهاد بروم و همسر من می‌خواهد به حج برود چه کنم؟ پیامبر (ﷺ) به او دستور دادند که تو نیز با همسرت به حج برو^۵ (الألبانی، ۱۴۰۵: ۱۷۳). از این روایت استفاده شده که اهمیت مسافرت زن

۱- «كنت نهيتكم عن زيارة القبور ألا فزوروا فإنه يرق القلب و تدمع العين و تذكر الآخرة و لا تقولوا هجرا».

۲- «فزوروا القبور فإنها تزهد في الدنيا و تذكر الآخرة».

۳- مر النبي - صلى الله عليه و سلم - بامرأة عند قبر و هي تبكي فقال: اتقى الله، و اصبري.

۴- و عن أبي جعفر عليه السلام قال: أن فاطمة بنت النبي (ﷺ)، كانت تزور قبر عمها حمزه كل جمعة فتصلي و تبكي عنده.

۵- لا تسافر المرأة إلا مع ذي محرم، و لا يدخل عليها رجل إلا و معها محرم، فقال رجل: يا رسول الله! إني أريد أن أخرج في جيش كذا

با محرم بر جهاد ترجیح دارد. همچنین به روایتی از ابوهیریه تمسک جسته و از وی نقل کرده‌اند که پیامبر خدا (ﷺ) فرمودند: «بر زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، جایز نیست بدون همراه داشتن محرم، مسافرتی با مسافت یک روز انجام دهد»^۱ (همو، [بی تا]: ج ۶، ص ۳۹۹). وهابیون به طور کلی با هرگونه حضور اجتماعی زن که به اختلاط زن و مرد بیانجامد مخالفت می‌کنند^۲ (ابن قیم الجوزیه، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۷۲۱)، زیرا به فرموده‌ی پیامبر (ﷺ) هرگونه اختلاط زن و مرد موجب فساد و اساساً هرگونه گرفتاری و مصیبتی از این امر ناشی می‌شود^۳ (همان: ۷۲۴). همچنین به اعتقاد آنها مهم‌ترین عامل مرگ و میر زنان ناشی از اختلاط زنان و مردان است و اگر مردم می‌دانستند که این مسئله چه اثرات زیان‌باری دارد، هر آینه به شدت مانع آن می‌شدند^۴ (همو، ۱۴۲۸: ۴۰۸). بر این اساس، وزارت داخلی عربستان سعودی هرگونه فعالیت زنان چه در مجامع عمومی، اداری و دولتی یا اشتغال آنها در مؤسسات خصوصی و دولتی را از جمله مصادیق اختلاط زن و مرد دانسته و آن را ممنوع اعلام و مجازاتی برای آن در نظر گرفته که این امر در یکی از روزنامه‌های آن زمان انعکاس یافت.^۵

وهابیت هرگونه فعالیت اجتماعی زن را که به اختلاط زن و مرد منجر شود و مفسده برانگیز باشد، حرام می‌داند. بدون تردید این باور تأیید می‌شود و تمامی فقها حرمت آن را پذیرفته‌اند. فقهای شیعه در گفت‌وگوهای میان زن و مرد شرایطی را تعیین کرده‌اند که زمینه‌ی مفسده فراهم نشود. این شرایط عبارت‌اند از:

- از صحبت کردن به نحوی که موجب تلذذ و ریه شود خودداری شود؛
- از شوخی کردن پرهیز شود؛
- از حرف‌هایی که موجب تهییج شهوت است، باید خودداری شود؛
- حجاب کامل رعایت و از نگاه کردن حرام خودداری شود؛
- زن و مرد در یک محیط خلوت تنها نباشند (محمودی، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۱۳۷).

و کذا، و امرأتی ترید الحج؟ فقال: اخرج معها.

۱- لا یحل لإمرأه تومن بالله و الیوم الآخر أن تسافر مسیره یوم إلا مع ذی محرم.
 ۲- و من ذلك أن ولی الأمر یجب علیه أن یمنع من اختلاط الرجال بالنساء فی الأسواق و الفرج و مجامع الرجال.
 ۳- و قال: و لا ریب أن تمکن النساء من اختلاطهن بالرجال أصل کل بلیة و شر، و هو من أعظم أسباب نزول العقوبات العامة، كما أنه من أسباب فساد أمور العامة و الخاصة، و اختلاط الرجال بالنساء سبب لکثرة الفواحش و الزنا، و هو من أسباب الموت العام و الطواعین المتصلة.
 ۴- قال: فمن أعظم أسباب الموت العام: کثرة الزنا بسبب تمکن النساء من اختلاطهن بالرجال و المشی بینهم متبرجات متجملات، و لو علم أولیاء الأمر ما فی ذلك من فساد الدنیا و الرعیة - قبل الدین - لکانوا أشد شیء منعا لذلك.
 ۵- نشیر إلى الأمر التعمیمی رقم ۱۱۶۵۱ فی ۱۴/۵/۱۶ هـ المتضمن أن السماح للمرأة بالعمل الذی یؤدی إلى اختلاطها بالرجال سواء فی الإدارات الحکومیة أو غیرها من المؤسسات العامة أو الخاصة أو الشركات أو المهن و نحوها أمر غیر ممکن، سواء کانت سعودیة أو غیر سعودیة؛ لأن ذلك محرم شرعا، و یتنافی مع عادات و تقالید هذه البلاد، و إذا کان یوجد دائرة تقوم بتشغیل المرأة فی غیر الأعمال التي تناسب طبیعتها أو فی أعمال تؤدی إلى اختلاطها بالرجال، فهذا خطأ یجب تلافیه، و علی الجهات الرقابیة ملاحظه ذلك و الرفع عنه (به نقل از: العباد البدن، [بی جا]، [بی تا]، ص ۱۴، الشامله).

نکته‌ی تأمل برانگیز آن است که مسافرت زن بدون محرم لزوماً از مصادیق اختلاط و در نتیجه مفسده‌انگیز بودن آن است. تمامی بحث در کبرای قضیه است. وهابیت با استناد به این دسته روایات و روایات دیگری در این باره حرمت مسافرت زن بدون محرم حتی برای انجام دادن فریضه‌ی واجب حج را نتیجه گرفته‌اند و بر این باورند اگر زنی از هر جهت استطاعت داشت ولی محرمی نداشت، حج بر او واجب نمی‌شود و سفر با این شرایط حرام است. در حالی که این روایات با آنچه قرآن به آن تصریح کرده متعارض است؛ چرا که قرآن به طور مطلق و بدون شرط دیگری به وجوب حج بر هر مستطیعی اشاره می‌کند،^۱ (آل عمران: ۹۷). حال با چه دلیلی باید روایات بر آیه مقدم شمرده شوند؟ در حالی که نه تنها دلیلی بر تقدیم روایات بر آیه وجود ندارد، بلکه این روایات باید به خاطر تعارض با قرآن کنار گذاشته شود. اگر گفته شود روایات، حاکم بر آیه هستند پس بر آن مقدم می‌شوند، می‌توان پاسخ داد که هیچ دلیلی بر حکومت روایات وجود ندارد و مقدم داشتن یکی از ادله‌ی متعارضین با هم با تمسک به حکومت آن دلیل بر دیگری ترجیح بلامرجه است. در این صورت چرا دلیلی که حاکی از وجوب حج بر هر مستطیعی به طور مطلق است بر آن دلیل دیگر مقدم نشود (قائنی و حاج جعفری، ۱۳۹۰: ۴۹). همچنین می‌توان گفت این احادیث - بر فرض پذیرش سند و دلالت - با مجموعه‌ای از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) که به جواز حج زن بدون نیاز به محرم و مراقب تصریح دارند، در تنافی و تعارض است. به علاوه با حدیثی که از ابوسعید و از غیر طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده نیز متعارض‌اند؛ چرا که در آن روایت، نهی از سفر زن به تنهایی به سفر با مسافت سه روز و بیش از آن مقید است (ابن‌قدمه، ۱۳۸۸: ج ۳، ص ۱۹۱) در حالی که در روایت ابوهریره نهی مقید به مسافت یک روزه بود.

اشکال وارد دیگر به روایت ابوهریره این است که آیا در نظر گرفتن «مسافت یک روز» با توجه به وسایل و امکانات سفر در عصر صدور روایت بوده یا این مقدار مطابق امکانات و وسایل نقلیه همان عصر لحاظ می‌شود؟ محتمل است که این گونه روایات بر مسافت متعارف حمل شود و همچنین روایت مورد نظر از باب قضیه‌ی حقیقه باشد، به طوری که مصداق آن در زمان‌های متفاوت تغییر کند و عنوانی که در روایت ملاحظه می‌شود، در هر عصر و زمانی باید هماهنگ و منطبق بر همان دوره معنا شود. ممکن است گفته شود این روایت به موردی خاص و معین اشاره دارد و بنابراین قضیه‌ی مورد نظر حقیقه نیست؛ این مطلب بر خلاف قاعده‌ی اولیه بوده و نیازمند اثبات است و چنانچه اثبات نشود قضایای شرعی در حقیقه بودن ظهور دارند؛ برای مثال در قرآن کریم معاشرت به معروف با زنان امر و اتفاق به معروف برای زنان بر مردان واجب شده است. بدون تردید مصداق معروف در عصر نزول قرآن و صدور روایات با مصداق آن در عصر ما متفاوت است؛ آیا صحیح است که گفته شود عنوان معروف بر مصادیق عصر نزول حمل می‌شوند؟ آیا از نظر فقیه کفایت می‌کند

۱- «و لله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً».

که مرد در راستای عمل به وجوب انفاق به همسرش برای او وسیله‌ی نقلیه‌ای تهیه کند که در زمان نزول متداول بوده؟ یا لباس‌هایی برایش تهیه کند که در همان زمان معمول بوده است؟ حال چرا عنوان «سفر با مسافت یک روز» در روایت ما از این موارد نباشد؟ هر چند مصداق این عنوان هنگام صدور روایت حدود ۸ فرسخ بوده و در حال حاضر برای یافتن مصداق این عنوان باید مسافتی که در طول یک روز با امکانات متداول امروزی طی می‌شود را در نظر گرفت و در نهایت باید چنین مسافتی ملاک و معیار صدق روایت در زمان حاضر باشد که در این صورت و با وسایل امروزی مانند هواپیما اگر زنی بخواهد به سفر برود به دورترین نقاط جهان نیز می‌تواند بدون محرم سفر کند.

باید توجه داشت که هرگونه عملی که گناه یا فسادى بر آن مترتب باشد، از جمله مسافرت خواه با محرم یا بدون محرم سفر معصیت به شمار می‌آید و از منظر شرع مقدس ممنوع است. نکته‌ی تأمل برانگیز آن است که سفر زن بدون محرم به خودی خود و بدون آنکه معصیتی بر آن مترتب باشد - به ویژه آنکه سفر عبادی باشد - با توجه به اطلاق آیات و برخی روایات اهل سنت - که بدان اشاره شد - دست کم حرام نیست، گرچه ممکن است کراهت داشته باشد.

۳-۲. تحریم رانندگی زن

از نظر وهابیت، رانندگی زن یکی دیگر از مصادیق اختلاط حرام است. هیئت کبار علمای حجاز در سال ۱۴۱۱ق به حرمت آن فتوا داد و متعاقب آن وزارت داخلی سعودی نیز آن را ممنوع اعلام کرد^۱ (العبد البدر، ابی‌تا: ۱۴). در بیانیه‌ی هیئت علمای کبار - که درباره‌ی منزلت زن صادر شده - آمده است: «امروز زن در بلاد اسلامی بر خلاف عصر جاهلیت و برخی از کشورها در دوره‌ی معاصر حقوق شرعی و حرمت و ابهت ویژه دارد که برخی از افراد سکولار خواهان تغییر آن بر اساس آنچه در غرب رایج است، هستند. آنها به نام زن به دنبال اغراض خاص دیگری هستند که اهم آن به قرار زیر است: ۱. هتک حجاب، ۲. رانندگی زن به رغم ترتب مفاسد بر آن ۳. عکس‌برداری از زن برای نصب بر روی کارت که به کشف حجاب منتهی می‌شود. ۴. اختلاط زن و مرد و انجام دادن کارهایی که زنان سزاوار انجام دادن آن نیستند و فراموشی وظایف ذاتی و بالعکس آن در مردان؛ درحالی‌که همه‌ی این موارد به خاطر لوازم و محذوراتی که به دنبال دارد،

۱- بناء على فتوى كبار العلماء تود وزارة الداخلية أن تعلن لعموم المواطنين والمقيمين أنه بناء على الفتوى الصادرة بتاريخ ۱۴۱۱/۴/۲۰ هـ من كل من سماحة الشيخ عبد العزيز بن عبد الله بن باز الرئيس العام لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، وفضيلة الشيخ عبدالرزاق عفيفي نائب رئيس اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء وعضو هيئة كبار العلماء، وفضيلة الشيخ عبدالله بن عبدالرحمن بن غديان عضو اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء وعضو هيئة كبار العلماء، وفضيلة الشيخ صالح بن محمد بن لحيدان رئيس مجلس القضاء الأعلى بيهتة الدائمة وعضو هيئة كبار العلماء بعدم جواز قيادة النساء للسيارات ووجوب معاقبة من يقوم منهن بذلك بالعقوبة المناسبة التي يتحقق بها الزجر والمحافظة على الحرم ومنع بواذر الشر؛ لما ورد من أدلة شرعية توجب منع أسباب ابتذال المرأة أو تعريضها للفتن.

حرام شرعی است^۱ (اللجنة الدائمة للبحوث العلمية و الإفتاء، الصحف عن المرأة، التاريخ ۱۳۲۰/۱/۲۵ق به نقل از: العباد البدن، [ابی‌جا،] [ابی‌تا]، ص ۱۵-۱۶، الشامله). همچنين بن‌باز وهابی به حرمت رانندگی زنان حکم داده است^۲ (بن‌باز: ۱۹۲). البته در سال ۱۹۹۱ میلادی ۶۴ زن در عربستان علیه این قانون راهپیمایی کردند تا صدای اعتراض خود را به گوش دولتمردانشان برسانند، ولی آل سعود اعتراضشان را سرکوب کرد. استدلال وهابیت درباره‌ی تحریم رانندگی زن همانند برخی از موارد قبل به خاطر فتنه‌انگیز بودن و اختلاط زن و مرد و در یک کلام مقدمه‌ی افعال حرام بودن است، پیش از این پاسخ داده شد.

رانندگی زن سابقه‌ای در اسلام ندارد؛ لذا هیچ‌گونه دلیلی نیز بر حرمت و حلیت آن وارد نشده است و مفتیان وهابی با استناد به دلیل موجه نزد خودشان یعنی سد ذرایع آن را حرام دانسته‌اند (محمودی، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۱۳۷). سد ذرایع در اصطلاح به معنای جلوگیری کردن از هر عملی که به حسب عادت به مفسده‌ای منجر می‌شود.

فقه‌های امامیه در مباحث اصولی و ضمن بحث «مقدمه‌ی واجب» بحث مقدمات حرام را مطرح کرده و با تفکیک اقسام و صور مختلف آن اظهار نظر کرده‌اند که با آنچه علمای اهل سنت با عنوان «سد ذرایع» در نظر می‌گیرند، بی‌شبهت نیست.

بیشتر آنها معتقدند، حکم کردن به وجوب یا حرمت مقدمه، تبعی است و ثواب یا عقاب مستقل بر آن مترتب نمی‌شود؛ درحالی‌که علمای عامه به استناد «سد ذرایع» برای مقدمات حرام حرمت نفسی قائل شده‌اند. از این رو از دیدگاه فقه‌های شیعه اگر رانندگی زن به فعل حرامی منجر شود، آن فعل حرام، حرمت خواهد داشت نه مقدمه آن که رانندگی است. نکته‌ی دیگر آنکه سابقه‌ی تاریخی «سد ذرایع» همانند «مصالح مرسله» به نیمه‌ی قرن دوم هجری بازمی‌گردد و اصولی‌ها معتقدند نخستین کسی که آن را به عنوان منبع شناخت احکام معرفی کرد «مالک بن انس» پیشوای مذهب مالکی بود و از آن پس این اعتقاد به عنوان منبع اجتهاد گسترش یافت (<http://www.wiki.islamicdoc.org>). همچنین اصله الاباحه نیز بر حرام نبودن آن در صورت نبود هر گونه دلیل شرعی دلالت دارد. به هر تقدیر، رانندگی زن به تنهایی ولو آنکه مفسده‌ای بر آن مترتب شود، حرمت ندارد بلکه افعال حرامی که فرد مرتکب می‌شود حرمت خواهد داشت.

۱- ... و هذه نعمة نشكر الله عليها، ويجب علينا المحافظة عليها، إلا أن هناك فئات من الناس، ممن تلوثت ثقافتهم بأفكار الغرب، لا يرضيه هذا الوضع المشرف، الذي تعيشه المرأة في بلادنا من حياء، و ستر، و صيانة، و يريدون أن تكون مثل المرأة في البلاد الكافرة و البلاد العلمانية، فصاروا يكتبون في الصحف، و يطالبون باسم المرأة بأشياء تتلخص فيما يلي: ۱. هتك الحجاب الذي أمره الله به ...؛ ۲. و يطالبون بأن تمكن المرأة من قيادة السيارة رغم ما يترتب على ذلك من مفسد، و ما يعرضها له من مخاطر لا تخفى على ذي بصيرة؛ ۳. و يطالبون بتصوير وجه المرأة، و وضع صورتها في بطاقة خاصة بها تتداولها الأيدي، و يطمع فيها كل من في قلبه مرض، و لا شك أن ذلك وسيلة إلى كشف الحجاب؛ ۴. يطالبون باختلاط المرأة و الرجال، و أن تتولى الأعمال التي هي من اختصاص الرجال، و أن تترك عملها اللائق بها و المتلائم مع فطرتها و حشمتها، و يزعمون أن في اقتصرها على العمل اللائق بها تعطيلاً لها

۲- «لا يجوز للمرأة قيادة السيارة».

۳. فعالیت سیاسی زن

در نظام سیاسی وهابیت، انتخابات و مشارکت سیاسی مردم به طور کلی ممنوع است، اما در صورت جایز دانستن اصل انتخابات، مشارکت زنان در این عرصه و حق رأی دادن و انتخاب شونده‌گی آنها ممنوع و مقرر شده است: «این امر - یعنی حضور فعال زنان در سازوکار انتخابات - موجب استیلاي زنان بر مردان و همچنین اختلاط زنان و مردان با یکدیگر می‌شود». آنها برای دیدگاه خود به واقعه‌ی سقیفه‌ی بنی ساعده تمسک کرده‌اند که در مجلس بیعت ابوبکر در محل سقیفه‌ی بنی ساعده و مسجد هیچ یک از زنان حضور نداشتند^۱ (العبد البدر، [بی تا]: ۱۰). ابن قدامه نیز معتقد است، زنان صلاحیت تصدی امامت و سرپرستی شهرها را ندارند. او برای ادعای خود به رفتار پیامبر (ﷺ) و خلفا استناد جسته و می‌گوید: «به همین دلیل پیامبر (ﷺ) و هیچ یک از خلفا هیچ زنی را متصدی منصب قضا و یا سرپرستی شهرها نکرد»^۲ (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ج ۱۰، ص ۳۶). ابن قیم جوزی نیز معتقد است، باید حاکم اسلامی مانع اختلاط زنان و مردان در مجامع عمومی شود^۳ (ابن قیم الجوزیه، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۴۰۶). بنابراین از نظر این گروه هر چیزی که زمینه‌ی اختلاط زن و مرد و تساوی آنها با یکدیگر را فراهم کند، از جمله انتخابات مردود است.

با مراجعه به کتب تاریخی و روایی می‌توان دریافت که سیره‌ی پیامبر (ﷺ) غیر از این بوده است. پیامبر خدا (ﷺ) زنان و مردان را یکسان به اسلام دعوت کرد و اسلام آوردن زنان را حتی با مخالفت مرد سرپرست و رئیس قبیله می‌پذیرفت و به آنها پناه می‌داد^۴ (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۹، ص ۲۴۰)؛ برای مثال بعد از صلح حدیبیه عده‌ای از زنان از شوهران مشرک خویش جدا شده و بدون اجازه‌ی شوهرانشان هجرت کردند و پس از آن به حضور پیامبر (ﷺ) شرفیاب شده و با ایشان بیعت کردند؛ «یا ایها النبی اذا جاءك المومنات بیابعنک علی ان لا یشترکن بالله شیئا و لا یسرقن و لا یزنین و لا یقتلن اولادهن و لا یاتین بهتاتن یفتربنه بین ایدیهن و ارجلهن و لا یعصبنک فی فبايعهن و استغفر لهن ان الله غفور رحیم» (ممتحنه: ۱۲). از این آیه می‌توان فهمید که زنان در بیعت کردن و

۱- و علی هذا، فالواجب منع النساء من الاختلاط بالرجال ومشاركتهم فی الأعمال أو فی لجان أو أندية أو منتديات والمشاركة فی الانتخابات إن حصلت البلوی بها، فلا تنتخب غیرها ولا ینتخبها غیرها؛ لما فی ذلك من الاختلاط المحرم، و لما فی ذلك ایضاً من ولاية النساء علی الرجال، و أول ولاية فی الإسلام بعد وفاة الرسول خلائفة أبی بکر، و قد اتفق الصحابة علی بیعته فی سقیفة بنی ساعده ثم فی المسجد، و لم یکن فیهم امرأة واحدة.

۲- «و لا تصلح للإمامة العظمی و لا لتولية البلدان، و لهذا لم یولّ النبی و لا أحد من خلفاته و لا من بعدهم امرأة قضاء و لا ولاية بلد فیما بلغنا، و لو جاز ذلك لم یخل منه جمیع الزمان غالباً».

۳- قال الإمام محمد بن أبی بکر بن قیم الجوزیة ۷۵۱هـ رحمه الله تعالی: (وَمِنْ ذَلِكَ: أَنْ وَلِيَ الْأَمْرَ یَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ یَمْنَعَ اخْتِلاطَ الرَّجَالِ بِالنِّسَاءِ فِي الْأَسْوَاقِ، وَ الْفُرَجِ، وَ مَجَامِعِ الرَّجَالِ).

۴- سیاق الآیة یعطی أنها نزلت بعد صلح الحدیبیة، و كان فی العهد المکتوب بین النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) و بین أهل مکه أنه إن لحق من أهل مکه رجل بالمسلمین ردوه إلیهم و إن لحق من المسلمین رجل بأهل مکه لم یردوه إلیهم ثم إن بعض نساء المشرکین أسلمت و هاجرت إلی المدینة فجاها ینسرها فسال النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) أن یردها إلیه فأجابه النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) أن الذی شرطوه فی العهد رد الرجل دون النساء و لم یردها إلیهم و أعطاه ما أنفق علیها من المهر و هو الذی تدل علیه الآیة مع ما یناسب ذلك من أحكامهن.

پیمان بستن و انتخاب راه حکومتی و سیاسی مستقل بوده و خدای متعال دستور می‌دهد که رسول خدا (ﷺ) این پیمان را بپذیرند. به این ترتیب نخستین آزادی فردی زن در انتخاب صحیح عقیده به رسمیت شناخته شد. با افزایش آزار و اختناق مشرکان مکه بر مسلمانان، پیامبر (ﷺ) طبق وحی به مردان و زنان فرمان مهاجرت به حبشه داد، نجاشی نیز به آنها پناهندگی داد و به این ترتیب نخستین گروه مهاجران از زنان و مردان بودند (نساء: ۱۰۰-۹۷ و احزاب: ۵۰). همچنین پیامبر (ﷺ) دو بار در مدینه با زنان بیعت کردند (طبری، ۱۳۵۶: ۲۱۴) و آنها را در مساجد یا مکان‌های دیگر به حضور پذیرفتند (طباطبایی: ج ۱۹، ص ۲۴۹)، با برخی از صاحب‌نظران و خردمندان آنها همانند ام سلمه در امور اجتماعی مشورت کردند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۲۹؛ بیهقی، [بی تا]: ج ۵، ص ۲۱۵). همچنین زنانی که به نمایندگی از سایر زنان برای طرح مشکلاتشان نزد حضرت می‌آمدند را می‌پذیرفت (ابن محر العسقلانی، [بی تا]: ج ۹، ص ۱۶۹). پیامبر (ﷺ) مشارکت زنان در امور اجتماعی را تا حدی بالا برد که دختر بزرگوارشان فاطمه زهرا (علیها السلام) با وجود جوان بودنشان در دفاع از ولایت و خلافت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مردان مهاجر و انصار را در مسجد مورد عتاب قرار داد (مکارم شیرازی، [بی تا]: ۱۴۰-۱۳۶).

نتیجه‌گیری

۶۴

نمونه‌هایی درباره‌ی نگرش وهابیت به زن و محدودیت‌ها و موانع فعالیت اجتماعی وی در آراء و رفتار وهابیت بیان شد. بی‌شک در عرصه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، مالکیت، کار و ... می‌توان به موارد بیشتری از این نوع فعالیت‌ها اشاره کرد که سخن به درازا می‌کشد. از مجموع منابع و متون وهابیت درباره‌ی حدود و قلمرو آزادی فعالیت زن به دست می‌آید که در این فرقه زن حق آزادی مقرر در چارچوب شریعت را ندارد. به نظر می‌رسد، بسیاری از برداشت‌های ناصحیح وهابیت نسبت به زن از مبانی معرفت‌شناختی خاص این فرقه ناشی می‌شود. به دلیل اعتقاد وهابیت به مبنای اهل حدیث، ایشان به روایات ضعیف نیز عمل می‌کنند و سایر روش‌های معرفتی همچون عقل، تفسیر صحیح از وحی و نقش زمان و مکان را در استخراج احکام نادیده می‌انگارند و در نتیجه زن را در باورهای جاهلی قبل از اسلام محصور کرده‌اند. در حالی که بر اساس آیات قرآن این تلقی نادرست و دور از عقل و فطرت انسان‌ها و بر خلاف رفتار و سیره‌ی عملی پیامبر (ﷺ) و اهل بیت (علیهم السلام) است.

همچنین با توجه به همسویی این فرقه با برخی از اهداف استعماری قدرت‌های بزرگ از همان ابتدای شکل‌گیری پیوند وثیقی میان آل سعود و انگلیس برقرار شد و از سوی ایشان همه جانبه حمایت شد. قدرت‌های استعماری با هدف تخریب چهره‌ی اسلام، به دنبال زمینه‌سازی برای اسلام‌هراسی و ایجاد بدبینی نسبت به مسلمانان در سطح گسترده بوده و با رشد موج فزاینده‌ی غرب‌گرایی در

جهان اسلام از هیچ‌گونه حمایتی از فرقه‌های افراطی دریغ نداشتند. نکته‌ی مهم دیگر افراط‌گری وهابیت نسبت به آزادی فعالیت زن است که به پیدایش گروه افراطی دیگر در جهان اسلام با عنوان داعش منجر شد که افکار و عقاید و حمایت‌های خارجی مشابهی با وهابیت دارد، اما در عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی زن به منظور دستیابی به اهداف خویش برخلاف وهابیت به جهاد نکاح متوسل شدند که با هیچ یک از مبانی دینی سازگار نیست و تحقیق جداگانه می‌طلبد.

منابع

- ◀ ابن تیمیة الحرانی، تقی‌الدین أبو العباس أحمد بن عبدالحلیم ۱۴۰۸هـ/۱۹۸۷م، الفتاوی الکبری، التحقیق: محمد عبدالقادر عطا - مصطفی عبدالقادر عطا، دار الکتب العلمیة.
- ◀ ابن حجر عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد. فتح الباری، بیروت، دارالمعرفه، [بی تا].
- ◀ ابن حسین، ابراهیم بن محمد بن محمد کمال الدین ابن أحمد. البیان والتعریف فی أسباب ورود الحدیث الشریف، برهان الدین ابن حمزة الحسینی الدمشقی، التحقیق: سیف الدین الکاتب، بیروت، دار الکتب العربی، [بی تا].
- ◀ ابن عساکر ۱۴۱۵ق. تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دار الفکر.
- ◀ ابن قدامه، ابو محمد موفق الدین عبدالله بن احمد بن محمد ۱۳۸۸ق/۱۹۶۸م. المغنی، القاهرة، مکتبه القاهرة.
- ◀ ابن قیم الجوزیه، أبو عبدالله محمد بن أبی بکر بن أبوب، ۱۴۲۸ق. الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، التحقیق: نایف أحمد الحمد، مکه المکرمه، دار عالم الفوائد.
- ◀ الألبانی، محمد ناصر الدین، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م، إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، بیروت، المکتب الإسلامی.
- ◀ صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه، برنامه منظومه التحقیقات الحدیثیة، من إنتاج مرکز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسکندریة، [بی تا].
- ◀ بن باز، عبدالعزیز و محمد بن صالح العثیمین ۱۴۱۳ق. فتاوی مهمه لعموم الامه، تحقیق ابراهیم الفارس، ریاض، دار العاصمه.
- ◀ بن باز، عبدالعزیز، فتاوی المرأة، ریاض، دارالوطن، [بی تا].
- ◀ البیهقی، ابوبکر ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م. التحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ◀ الحاکم، محمد بن عبدالله المعروف ۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م. البیع، التحقیق: محمد بن عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ◀ الحمد، حمد بن عبدالله، شرح زاد المستقنع، [بی تا]، الشامله.
- ◀ الرازی، فخرالدین ۱۴۲۰ق. التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ◀ الرزاق، احمد بن عبد الدویش، اللجنه الدائمه للبحوث العلمیة و الافتاء، ریاض، ریاسه اداره البحوث

- العلمیه و الافتاء، [بی تا].
- ◀ الزراعی، محمد بن ابوبکر ایوب ابو عبدالله، شرح عده الصابرين و ذخیره الشاکرين، بیروت، دار الکتب العلمیه، [بی تا].
- ◀ الشاشی، ابوسعید الهیثم بن کلیب بن سریج بن معقل ۱۴۱۰ق. التحقیق محفوظ الرحمن زین الله، المدینه المنوره، مکتبه العلوم و الحکم.
- ◀ العباد البدري، عبد المحسن بن حمد؛ لماذا لا تقوم المرأة السیارة فی المملكة العربیة السعودیة، [بی تا]، الشامله.
- ◀ العثیمین، محمد بن صالح بن محمد، ۱۴۲۲ - ۱۴۲۸ق. الشرح الممتع علی زاد المستقنع، دار النشر / دار ابن الجوزی، <http://www.raqamiya.org>.
- ◀ القرطبی، أبو الحسن علی بن خلف بن عبد الملک بن بطلال البکری، ۱۴۲۳هـ / ۲۰۰۳م. شرح صحیح البخاری، التحقیق: أبو تمیم یاسرین إبراهیم، الرياض، دار النشر.
- ◀ القسطلانی القتیبی المصری، أحمد بن محمد بن محمد بن أبی بکر بن عبد الملک ۱۳۲۳ق. إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری، مصر، المطبعة الكبرى الأمیریة.
- ◀ المبارکفوری، أبو العلا محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم. تحفه الأخوذی بشرح جامع الترمذی، بیروت، دار الکتب العلمیه، [بی تا].
- ◀ المناوی، الإمام الحافظ زین الدین عبد الرؤوف، ۱۴۰۸هـ / ۱۹۸۸م. التیسیر بشرح الجامع الصغیر، الرياض، دار النشر / مکتبه الإمام الشافعی.
- ◀ بیهقی، ابوبکر السنن الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، [بی تا].
- ◀ حایری، عبدالهادی. «دیباچه‌ای بر پیشینه تاریخی جنبش های پان اسلامیسم»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، ش ۲۴.
- ◀ دوبووار، سیمون ۱۳۸۸. جنس دوم، ترجمه‌ی قاسم صنعوی، تهران، توس.
- ◀ سبجانی، جعفر ۱۳۸۷. وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، قم، موسسه امام صادق (ع) (۱۳۸۷).
- ◀ سیوطی. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دار الفکر، [بی تا].
- ◀ طبری، احمد بن عبدالله ۱۳۵۶. ذخائر العقبی، قاهره، مکتبه القدس.
- ◀ فقیهی، علی اصغر ۱۳۷۷. وهابیان، تهران، صبا.
- ◀ قائنی، محمد، اسدالله حاج جعفری. «شرط نبودن همراهی محرم با زن در حج»، میقات حج، ش ۷۶، (تابستان ۱۳۹۰).
- ◀ محمودی، سید محسن ۱۳۹۲. مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، قم، صاحب الزمان (عج).
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر. زهرا برترین بانوی جهان اسلام، قم، هدف، [بی تا].
- ◀ الموصلی التیمی، احمد بن علین المثنی ابو یعلی، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م، مسند ابی یعلی، تحقیق حسین سلیم اسد، دمشق، دار المامون للتراث.
- ◀ طباطبائی، محمدحسین ۱۳۹۰هـ. ق. المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- <http://wiki.islamicdoc.org/wiki/index>